

اخلاق سکولار، اخلاق مومنانه



ایلنا: محسن کدیور با تاکید بر اینکه تبعیت از پیامبر تبعیت در امور دینی است و در امور غیروحیانی و غیردینی، خداوند امر به مشورت کرده است، گفت: خداوند می گوید«وَشَاوِرْهُمِ الْاَمْرَ»، بنابراین ما هیچ طریقه دینی دیگری نمی شناسیم. محسن کدیور طی سخنرانی در مراسم مذهبی جبهه مشارکت ایران اسلامی منطقه تهران که در کانون توحید برگزار شد، به تشریح دیدگاه های خود در مورد «اخلاق مومنانه» پرداخت و اظهار داشت: اخلاق احکامی برای تنظیم روابط آدمیان با یکدیگر است و با حقوق نیز متفاوت است، حقوق جنبه الزام دنیوی دارد اما اخلاق چنین نیست. وی با بیان اینکه اخلاق منصف دینداران و مشرعان نیست بلکه سکولارها و لایک ها هم برای خود اخلاقی دارند، خاطرنشان کرد: چهار- پنج قرن پس از پیامبر و جالب غیب این بود که دین و اخلاق با هم توأم اند و جامعه دینی نمی تواند غیراخلاقی باشد. کدیور تصریح کرد: بعدها این ستوال پیش آمد که آیا اموری مانند اخلاق و عدالت درون دینی هستند یا بیرون دینی؟ آیا عدالت کرد و گفت: معتزله و شیعه معتقد بود که عدالت امری عقلی است و برای فهم آن نیاز به درک دینی نداریم، در مقابل اشاعره عدالت را امری شرعی می دانستند که عقل انسان امکان درک آن را ندارد. این استاد دانشگاه با طرح این ستوال که اگر اخلاق، غیردینی و عقلی است، پس دین در اخلاق چه نقشی ایفا می کند و در حالی که بر اساس تحقیقات جامعه شناسی جوامع دینی، اخلاقی تر از جوامع غیردینی نیست، چرا از اخلاق دینی سخن می گویم، اظهار داشت: این گونه نیست که اگر دین نباشد، پس ارزش های اخلاقی کشف نمی شود بلکه نمبرگانی می توانند دین از ارزش ها دست یابند اما اکثریت مردم بدون کمک دین از وصول به ارزش های اخلاقی ناتوان اند. کدیور با اعتقاد به اینکه صرف علم به مسائل اخلاقی برای رعایت امور اخلاقی کفایت نمی کند، در بیان آگاهی دهی به اکثریت مردم به منظور پایبندی به ارزش های اخلاقی، تذکر و تاکید بر رعایت این ارزش ها ضروری خواند. وی گفت: اکثریت مردم با راهنمایی دین به ارزش های اخلاقی می رسند، اگرچه اگر عقل خود را به کار می گرفتند، به این ارزش ها می رسیدند. این محقق و پژوهشگر انسان اخلاقی را انسانی دانست که هم حقوق دیگران را رعایت می کند و هم وظایفی را بر عهده دارد و این اساس مباحثی مانند حقوق بشر، انسان ها را از احکام بی نیاز و اخلاقی نمی کند چرا که اعلامیه های حقوق بشر از وظایف انسان ها سخن نمی گوید و تنها بر حقوق آنها تاکید دارد. کدیور با بیان اینکه رقیب اصلی «اخلاق مومنانه»، «اخلاق سکولار» است، گفت: اخلاق سکولار به معنای جدایی زندگی از دین و دین زدایی از زندگی است، اخلاق سکولار یعنی اخلاق منهای دین. وی تصریح کرد: خداپرستی که هیچ جلوه ای حتی در حوزه اخلاق ندارد، به هیچ دردی نمی خورد، اخلاق مومنانه یعنی اینکه در حوزه اخلاق علاوه بر عقل بر ارزش های دینی هم تکیه کنیم. کدیور اخلاق مومنانه را اخلاق عقلی تأییدشده با دین عنوان کرد. این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنانش با تبیین «اصفات اخلاق» به خدا، گفت: او محبوب خدا است و خدا محبوب او، مومن حب بیشتری به خدا دارد.

مبانی اخلاقی حق دخالت بشردوستانه

فصلنامه مدرسه، **آقای نوری**: پرش ان است، آیا می توان حقن به نام «حق دخالت بشردوستانه»بیگانگان در امور داخلی یک کشور؟ را به رسمیت شناخت؟ و اگر به واقع چنان حقی وجود دارد مبنای اخلاقی آن چیست یا چه می تواند باشد؟ مقصود من از دخالت بشردوستانه عبارت است از «هر نوع دخالت آبرمانه در امور یک کشور بدون موافقت و اذن آن دولت، بر آیه آنکه از نفض گسترده و سازمان یافته حقوق انسانی بنیادین شهروندان تحت قیومت آن دولت پیبگیری خود». ادعای من در این مقاله این است که به واقع چنان حقی وجود دارد و می توان آن حق را نهایتاً بر مبنای «حق دفاع از خود» اخلاقاً موجه کرد. [. . .] می توان ساختار استدلالی این مقاله را به صورت زیر خلاصه کرد: ۱- اگر حکومت حقوق انسانی بنیادین شهروندان تحت قیومت خود را به نحو گسترده و سازمان یافته نقض کند آنگاه آن حکومت مشروعیت داخلی خود را از کف دهد، آنگاه آن حکومت مشروعیت بین المللی خود را نیز از کف دهد، آنگاه آن حکومت بین المللی خود را نیز از کف دهد، آنگاه دخالت آبرمانه در امور آن حکومت برای احقاق حقوق بنیادین شهروندان تحت قیومت آن حکومت مصداق «تجاوز» یا «تهاجم» یا «جنگ نا عادلانه» نخواهد بود. از گزاره‌های (۱) تا (۴) گزاره زیر منطقاً نتیجه می شود: ۵- اگر حکومت حقوق انسانی بنیادین شهروندان تحت قیومت خود را به نحو گسترده و سازمان یافته نقض کند، آنگاه دخالت آبرمانه در امور آن حکومت برای احقاق حقوق بنیادین شهروندان تحت قیومت آن حکومت مصداق «تجاوز» یا «تهاجم» یا «جنگ نا عادلانه» نخواهد بود. بنابر این برای اثبات «حق دخالت بشردوستانه» باید نشان دهیم که حکومت حقوق انسانی بنیادین شهروندان خود را به نحو گسترده و سازمان یافته نقض کرده است. اثبات مقدم این گزاره شرطی البته مستلزم پژوهش تجربی و در هر حال بیرون از قلمرو فلسف کلاسی است.

دین و آزادی

اندیشه آزادی

روشنفکر ایرانی و آشوب فکری

موسی غنی نژاد در مقاله ای در شماره دوم فصلنامه مدرسه به چگونگی مواجهه ایرانیان با «دولت – ملت» اشاره کرده و گوشه و کنایه هایی به نظرات روشنفکرانی زده است که قابل به تقدم شکل گیری دولت بر ملت هستند. شاید به همین خاطر عنوان مقاله او«عبور از ملت– دولت و کج فهمی های ایرانی» نام گرفته است :

امروز برخی ناسازد و تحلیلگران به راحتی می گویند که تقدم دولت سازی بر ملت سازی در دوران رضاخان یک اشتباه تاریخی بود و ما باید ابتدا ملت را می ساختیم و سپس به سراغ دولت می رفتیم. چنین تحلیل هایی کاملاً انتزاعی و خیال پردازانه اند. اما اگر بتوانان حاسیت‌ها و نگرانی های روشنفکران دوران پیش از پهلوی را درک کرد و بنابر این اعتقاد آنها به روی کار آمدن یک دولت مقتدر و اولویت ظهور این دولت بر شکل گیری حقوق شهروندی و ملت را در اندیشه آنها هم فهمید، بی شک نگاه روشنفکران ایرانی در آستانه انقلاب ۵۷ قابل فهم و هضم نیست. روشنفکران ما در دوران پهلوی دوم آسیب های تقدم ساخته شدن دولت بر ملت را دیده بودند و نگاه اصلاحی آنها باید بر چنین مسئله‌ای متمرکز می شد. با این حال روشنفکران ما در دوره پهلوی دوم هیچ گاه از جامعه مدنی سخن نگفتند. در این شرایط اما روشنفکران ما به جای جامعه مدنی به دنبال مبارزات استقلال طلبانه و ضدامپریالیستی رفتند. دشمنی خیالی برای خود ساختند و خود را در مقام مبارزه با آن تعریف کردند. [. . .] بدین ترتیب در دوران مشروطه بحث دولت– ملت وارد ادبیات سیاسی ما شد اما به خاطر واقعیات سیاسی در دوران پس از مشروطه ما مجبور شدیم که ابتدا به سوی دولت سازی حرکت کنیم و از ملت سازی و حقوق ملت غافل شویم. [. . .] بنابراین من اعتقادی به شکل گیری دولت– ملت در انقلاب ایران ندارم. اما با این همه برخی از روشنفکران همبستگی تهیدستان شهری و روحانیت در انقلاب ۵۷ را به مفهوم شکل گیری دولت– ملت در ایران می دانند، بی توجه به آنکه انقلاب تهیدستان هیچ ارتباطی با شکل گیری جامعه مدنی به عنوان مبنای یک دولت– ملت ندارد. به این نکته نیز اکنون نمی پردازم که انقلاب ایران نه انقلاب تهیدستان که انقلاب روشنفکران بود. تهیدستان نیز در واقع در پی روشنفکران به راه افتادند و به نسخه روشنفکران عمل کردند. وزرای شاه در تظاهرات خیابانی علیه شاه شرکت می کردند و آنها هم مسلماً نه تهیدست بودند و نه مستضعف. بدین ترتیب انقلاب ایران نیز در بطن خود به دنبال ساختن دولت– ملت نبود اگرچه در تمام این سال ها دولت– ملت فارغ از اراده روشنفکران ما خود را بر ساختار جامعه ایران تحمیل کرده و می کند. چرا که ایده دولت– ملت نیز همچون ایده جهانی شدن، حضوری فارغ از اراده حکومت هاد را [. . . .] امروزه در ذیل مفهوم جهانی

تاکید بیش از حد حاکمان بر ساختار دولت– ملت نشان وجود ریگی در کفش آنها دارد و به مفهوم تمایل آنان به سوی اقتدارگرایی است. ولی از حاکمان که گاهی می بینیم که برخی روشنفکران وطنی نیز از نظریه دولت– ملت در ایران سخن می گویند و حتی بر لزوم و تقدم شکل گیری دولت تاکید می کنند. چنین اندیشه‌ای را بیشتر در میان روشنفکران چپ مشاهده می کنیم. آنها بر تقدم شکل گیری دولت بر ملت تاکید می کنند و تفکری صنع گرایانه (کاناستراکتیویستی) را به نمایش می گذارند. به دیگر سخن آنها معتقد به شکل گیری دولتی هستند که در قدم بعدی ملت را شکل دهد. باید از این روشنفکران وطنی پرسید که چگونه و چرا قصد ساختن انسان ها از بالا را دارند؟ اگر دیدنارند که باید پذیرند خداوند انسان را ناقص آفریده و ما هم بهتر از او نمی توانیم انسان ساز باشیم. اگر هم انسان را محصول یک تحولات تاریخی صدهزار ساله می دانند که چگونه می خواهند در یک بازه کوتاه زمانی این انسان را درست و اصلاح نمایند. این دیدگاه مبتنی بر نگاهی غیرعقلانی است. از این واقعیت که یکدیگر مردم دوستان ما از این کشور را از سر گشاد آن زنند و به صدا درآورند. ما باید در ابتدای امر جامعه مدنی را بسازیم و پس از آن در اندیشه ساختن دولتی فرو روم که خدمتگزار جامعه مدنی باشد، در حقیقت دولت باید برعکس می بینند و در ابتدای امر به دنبال دولت سازی هستند. این روشنفکران حتی از مثال پیشووه و فرانکو برای تبیین نگاه خود و ساخته شدن دولت– ملت در ایران سخن می گویند. این دوستان که زمانی می گفتند «پیشووه این است جنایتی مکتب شیکاگو» امروز خود از مدل پیشوهای سخن می گویند و به واقع گوئی سرخود دعا را گم کرده‌اند. حتی اگر بپذیریم که به مبنای اقتدارگرایی و بدون مشارکت مردم می توان به صورت فزاینده حکومت قانون و ملت و دولت ساخت، آیا ما در این امکان شکل گیری چنین دولتی برخورداریم؟ مدل پیشووه مدنی اقتدارگرایانه است، مدلی که ما در زمان رضاخان هم از آن تجربه کردیم و در نهایت موفق هم از کار درنیامد. ولی اگر حتی این پروژه را مثبت هم بدانیم آیا ما در ایران امروز می توانیم یک حاکم اقتدار گرا داشته باشیم؟ آیا چنین ابزارهایی در کشور ما وجود دارند؟ بنابراین اگر نگوییم که تحقق مدلی پیشوهای در ایران مطلوب نیست (که مطلوب هم نیست) حداقل ممکن نیست و نمی توان امکانات

تحقق چنین نظامی را فراهم دید. این دوستان همانطور که گفته شد، در مسیری اشتباه گم می نهند. به لیبرال‌ها و این و آن حمله می کنند اما مشخص نیست که حرف آخرشان چیست و چه راه حلی را در سر دارند. معلوم نیست که به دنبال فرانکو در ایران هستند یا از روی کار آمدن فرانکو در ایران می ترسند! مشخص نیست که در نهایت نظام ایران را یک دولت– ملت تحت نفقه می دانند یا اینکه به دنبال ساختن دولت– ملت هستند.

دین و برابری

عوام زدگی آفت روشنفکری

ایرنا : «هاشم آقاچری» استاد دانشگاه گفت : عوام‌زدگی و دولت زدگی نه تنها آسیب روحانی و نهاد سنتی مذهبی و علم، بلکه آفت روشنفکری نیز هست. وی در مراسم گرامیداشت روز دانشجو در دانشگاه الزهرا افزود : بر اساس نظر شهیدمطهری روحانیت شیعه نقطه قوتی دارد و آن این است که برخلاف سایر فرقه ها، منافعش با منافع سلطه، گره نخورده است. وی با بیان اینکه ما امروز نیازمند تیب روشنفکر به معنای واقعی کلمه هستیم گفت که روشنفکر باید در این حوزه، حوزه سومی را تعریف کند تا علم، تکنیک و تخصص رهایی پیدا کند و دانشگاه به جای اینکه در خدمت توجیه باشد، در خدمت رهایی و نقد باشد. وی گفت : عالمان دو گروه هستند : یک دسته عالمان وابسته به حکومت و دیگر عالمان مستقل از حکومت هستند. «غزالی سمیل عالمان وابسته به حکومت است که به دنبال ثنوری پردازی و تحکیم پایه های حکومت بود و ناصرخسرو نیز سمیل ضدحکومتی است، اما تپ اسمع سوم که عده کمتری را دربر می گیرد وابسته حکومت نبوده و در عین حال ضدحکومت هم نیستند و خیام در قرن پنجم و حافظ شیرازی در قرن هشتم را می توان در این تیب جای داد.»وی یادآور شد : این تیب تعداد اندکی را دربرمی گیرد و علت آن هم این است که در دوره های گذشته اساساً چیزی به نام اقتدار عمومی وجود نداشته و امروز هم جامعه به معنای یک فضای عمومی و در حد فاصل بین محیط محدود فردی و حکومت و قدرت شکل نگرفته در نتیجه عالمان، شاعران و متفکران غالباً وابسته به حکومت هستند و خواسته یا ناخواسته حاشیه نشین دربار بوده‌اند. آقاچری افزود : در دوره های گذشته فرقه های سازمان یافته و متفکران نیرومندی که بتوانند متفکران و شاعران را در تعامل حکومت ها حفظ کنند وجود نداشت و برخی از فرقه ها توانسته بودند برای خود حکومت در یک استان یا یک کند. این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد : حکومت و ضدحکومت تا قبل از مشروطه وجود داشت اما بعد از انقلاب چون میرزا تقی خان امیرکبیر با تأسیس دارالفنون قصد داشتند علم راکمی بسازند تا از طریق علم و تکنیک جدید در خدمت حکومت و در عین حال در اختیار جامعه باشند. وی بیان کرد : از آن پس به تدریج کارکرد مراکز علمی و دانشگاهی تغییر کرد و با یک تیب جدیدی از روشنفکران، جنبش هایی به وجود آمد که حاصل گروه‌خوردگی علمی، فرهنگی و سیاسی دانشگاه بود. «یکی از کارکردهای دانشگاه در نظام جدید ایجاد مشروعیت است و علاوه بر کارآمدی از طریق تکنیک ها و تخصص ها می تواند کارکرد ایدئولوژیک هم داشته باشد به عقیده آقاچری، امروز هم ممکن است یک دانشگاهی، مداح قدرت باشد، این مداحی به دانشمند و سیاستمدار محصور می شود. وی گفت : اگر دانشگاه خواهد به تیب سوم که همانا روشنفکری است دست باید لازم است در تیب های مختلف تامل کند تیبی که محقق یرج عاج نشین نباشد. «این تیب، به وجوه علم و فرهنگ می اندیشد و دست اندکاران ثنوری و اقوامی است و در عین حال محیط فعالیتش حوزه عمومی (علائق شخصی فردی یا چارچوب مشخص سیاسی و حکومتی) است، این پروژه در جوامعی که قدرت و دین گره خورده، نقش دانشگاه و روشنفکر بسیار حائز اهمیت است.» این استاد دانشگاه، ۱۶ آور را به عنوان ادامه جنبش روشنفکری دانست و اظهار داشت : کانون اصلی این جنبش جامعه مدنی و حوزه عمومی است و دانشجویمان لازم است با یک بازتعریف از خود، جایگاهشان را مشخص کنند. وی یادآور شد : امروز تلاش می شود تا دانشجو در ذیل دانشمند یا سیاستمدار معرفی شود این درحالی است که که دانشگاه ما خواه ناخواه به یک نماد پرتحرک جنبشی تبدیل می شود. به عقیده وی، هنوز در ایران از نظر سیاسی شرایطی مهیا نشده تا احزاب



نیرومندی تشکیل شود و هر شهروندی بتواند عقاید خود را بیان کند.

روشنفکران دینی و حکومت دینی

علیرضا علوی تبار چندی پیش گفت‌وگویی مفصلی درباره روشنفکری دین با سایت بی بی سی فارسی انجام داد که بخش هایی از آن می خوانید: روشنفکری دینی به اینجا رسیده است که در حکومت نباید امتیاز ویژه‌ای به دینداران یا به مفسران دین داد. به علاوه دینداران حتی چپ‌راغ روحا و دین این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متفکران لیبرال که نقدهایی به استالینیسم و مارکسیسم رامت کیش را ارائه می‌کردند، منتشر شدند. دیالکتیک به معنای دقیق واژه، استوار به برداشتی ماتریالیستی میان فعالان و هواداران احزاب چپ‌راغ روحا دشت و این چندناد جای تعجب ندارد. این نکته این‌جا است که با همان برداشت در نوشته‌های برخی از مبارزان مذهبی هم به کار می رفت. همان‌طور که تاوولی خاص جمع‌اجتماعی از جمله کتاب گورویچ (Gurvitch) درباره دیالکتیک و اناری از متف